



## بررسی نقش فرهنگ پس انداز، سرمایه گذاری و کارآفرینی اقتصادی در تولید

حسین صادقی\*  
خالد احمدزاده\*\*

تاریخ دریافت مقاله ۸۷/۴/۲  
تاریخ تایید مقاله ۸۷/۵/۲۵

### چکیده:

هر کشوری برای ارتقای تولید و نیز رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی نیازمند سرمایه گذاری است. شرط لازم برای سرمایه گذاری؛ پس انداز، انباشت سرمایه و مهیا سازی بستر فرهنگی به همراه تقویت روحیه کارآفرینی در جامعه است. در واقع با عنایت کافی به مقوله توسعه فرهنگ کارآفرینی می توان به شاخص های رشد و توسعه که از طریق تغییر در روند تولید، بهره وری و توان افزایی فنی و صنعتی در عرصه اقتصاد حاصل می شود، دست یافت.

این مطالعه در صدد است نخست عوامل موثر برای تامین مالی سرمایه گذاری را با نگرش فرهنگ پس انداز به صورت پس انداز احتیاطی، اجباری و سرمایه گذاری خارجی بررسی نماید. سپس عوامل موثر بر رابطه فرهنگ پس انداز و سرمایه گذاری با تولید را در اقتصاد ایران مورد کاوش قرار دهد. بررسی فرهنگ کارآفرینی در ارتقای تولید نیز با بررسی نظریه ها به همراه نتیجه گیری از بخش های دیگر این نوشتار است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، پس انداز و سرمایه گذاری، فرهنگ کارآفرینی، تولید



## مقدمه:

ایجاد تعادل در اقتصاد ملی اساسی است.

اهمیت مقوله پس‌انداز در دیدگاه‌های اقتصاددانان توسعه کاملاً مشهود است. شاید بتوان گفت که همه این اقتصاددانان، افزایش پس‌انداز را عامل اصلی دستیابی به رشد و توسعه تلقی کرده و کمبود پس‌انداز را مشکل اصلی و مانع مهم عدم توسعه کشورهای توسعه نیافته می‌دانند. اقتصاد دانانی مانند آرتور لونیس، گونار میردال، راثول پربیش، هالش سینگر، روزن اشتاین و رودان کم و بیش قبول دارند که کمبود پس‌انداز یکی از عوامل اصلی بازدارنده رشد است و تلاش در جهت افزایش نرخ پس‌انداز را برای دستیابی به توسعه ضروری می‌دانند.

بر اساس فرضیه مصرف و نرخ پس‌انداز عواملی مانند درآمد سرانه، رشد اقتصادی، میزان ثروت، متوسط سن بازنشستگی، توزیع سنی جامعه، تعداد افراد خانوار، امید به زندگی (Life Expectancy)، سهم نیروی کار در جمعیت و سهم شاغلین به جمعیت بر پس‌انداز موثر می‌باشند. به علاوه، مروری بر تحقیقات مرتبط با پس‌انداز نشان می‌دهد که عواملی نظیر بار تکفل، تورم، نرخ واقعی بازده، رفتار شرکت‌ها نسبت به سود انباشته و توزیع سود، کسری بودجه دولت، تامین اجتماعی، بیمه، رفتار جامعه نسبت به ارثیه، ثبات اقتصادی، ترکیب ساختار بخش‌های اقتصادی کشور، قوانین مالیاتی، قیمت انرژی، خصوصیات فرهنگی جامعه، توزیع درآمد و سطح حداقل معاش از جمله عواملی هستند که می‌توانند روی پس‌انداز موثر باشند (پوریان، ۱۳۷۷).

تنویری‌هایی که توسط دوتزنبری، فریدمن، مودیگلیانی و دیگران برای توضیح مصرف و پس‌انداز ارائه شده است، همه از یک زیر بنای اساسی از نظرات خرد اقتصادی دربارہ انتخاب مصرف‌کننده برخوردار هستند؛ بدین صورت که رفتار مصرف‌کننده، نتیجه تلاش عقلایی برای حداکثر نمودن مطلوبیت خود از طریق تخصیص جریان درآمدی دوره زندگی به یک الگوی بهینه مصرف در طول زندگی می‌باشد. طبق این فرضیه، جریان درآمدی یک فرد در ابتدا و اواخر عمر نسبتاً پایین و کم مقدار است؛ به گونه‌ای که در سال‌های اولیه زندگی فرد، وی وام‌گیرنده خالص است و در سال‌های میانی عمر مقداری از درآمد را پس‌انداز می‌کند

شاید ایران یکی از معدود کشورهای باشد که مردم و مسئولان تا این حد، نقش فرهنگ را در زمینه‌های مختلف و مشکلات گوناگون جامعه پررنگ تلقی می‌کنند. یکی از رفتارهای کاملاً قابل پیش‌بینی از سوی مردم و مسئولان کشور در مواجهه با مشکلات مختلف اجتماعی، معرفی عواملی چون فقر فرهنگی به عنوان ریشه ناهنجاری‌ها و مشکلات موجود در جامعه است. فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه دانست. به دیگر سخن، فرهنگ مقوله‌ای است که در سطح جامعه، گروه و در تعامل میان آنها معنا می‌یابد و شیوه برقراری ارتباط و تعامل میان افراد آن جامعه را بیان می‌کند.

در این راستا نیز این نوشتار در صدد است نقش فرهنگ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی اقتصادی در تولید را در کشور مورد کاوش و بررسی قرار دهد.

## نقش فرهنگ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در تولید

این واقعیت پذیرفته شده است که کنار گذاشتن بخشی از مصرف به معنی بوجود آمدن پس‌انداز و تبدیل آن به سرمایه‌های تولیدی، برای حفظ سطح رفاه موجود و دستیابی به سطح رفاه بالاتر، امری کاملاً ضروری است. به عبارت دیگر، حتی اگر جامعه‌ای بخواهد در موقعیت فعلی خود باقی بماند و دچار کاهش رفاه نشود انجام پس‌انداز امری ضروری است. علاوه بر این در کشورهای توسعه نیافته، مشکل کمبود پس‌انداز موضوعی است که غالب صاحب نظران بر آن به عنوان یکی از عوامل محدود کننده رشد اقتصادی تاکید دارند (کميجانی و رحمانی، ۱۳۷۳).

پس‌انداز دارای مفهومی گسترده است و طی فرایندهای مختلف حاصل می‌شود. همچنین پس‌انداز جنبه اجتماعی دارد زیرا تحت شرایط زمانی و مکانی و در چهارچوب روابط اجتماعی، سنن، فرهنگ، موقعیت طبقات اجتماعی و نظایر آن به شدت تغییر کیفی و کمی یافته و تغییر جهت می‌دهد. به علاوه از مباحث اقتصادی به شمار می‌رود؛ چون از نیروهای تولیدی، شرایط مصرف و توزیع گذشته به دست می‌آید و نیز نقش آن در

تا بدهی‌های قبلی خود را تادیه نموده و مقداری را هم به دوران کهولت و پیری اختصاص دهد. در واقع در سال‌های اواخر عمر، فرد پس انداز منفی دارد. حال این نتیجه حاصل می‌شود که گروه‌های با درآمد بالا، بیشتر شامل کسانی می‌شود که به خاطر قرار داشتن آنها در سال‌های میانی عمر، سطوح درآمدی بالایی دارند. همین‌طور، گروه‌های درآمدی پایین، به‌طور نسبی بیشتر شامل کسانی هستند که به خاطر قرار داشتن آنها در دو طرف توزیع عمر (ابتدا و آخر زندگی)، درآمدهای پایینی است (برانسون، ۱۳۸۱).

پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در دنیای واقعی مقولاتی جدا از هم نیستند. به عبارت دیگر، همان کالاها و خدماتی که بر اثر خودداری افراد جامعه از خرج کردن همه درآمد یا بر اثر پس‌انداز به مصرف نرسیده است، تبدیل به سرمایه‌گذاری می‌شود. می‌توان چنین تصور کرد پس‌اندازی که به وجود می‌آید تبدیل به سرمایه‌گذاری نشود. در حالی که تصمیم‌گیری راجع به سرمایه‌گذاری، ناشی از امکان‌پذیری فعالیت تولیدی و سودآوری آن می‌باشد. به همین دلیل نمی‌توان همواره پس‌انداز را مساوی سرمایه‌گذاری دانست.

برای درک مساله لازم است نخست، شیوه‌های تامین منابع سرمایه‌گذاری در روند تولید با عنایت به مقوله پس‌انداز از بعد فرهنگی، مورد کاوش قرار گیرد. سپس به عواملی که از نظر فرهنگی بر تعیین سطح پس‌انداز و به تبع آن سرمایه‌گذاری مؤثر است را با توجه به وضعیت کشور در گذشته و حال مورد کاوش قرار داد.

پس‌انداز اختیاری، پس‌انداز اجباری و منابع مالی خارجی (سرمایه‌گذاری خارجی، بیع متقابل، استقراض خارجی)، روش‌های تامین منابع برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. الف) پس‌انداز اختیاری: این روش را می‌توان سالم‌ترین و بهترین روش برای تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری دانست. در واقع پس‌انداز اختیاری بیانگر آن است که جامعه بر اساس ترجیحات بین مصرف حال و آینده به رغبت و میل خود بخشی از درآمد را به مصرف نرسانده پس‌انداز می‌کند. این نوع پس‌انداز بسته به نوع ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد. در کشورهای توسعه

یافته با بازارهای مالی کارا، عمده این پس‌اندازها می‌تواند به راحتی وارد بورس اوراق بهادار شود و به عنوان منابع مالی در گسترش تشکیلات اقتصادی جامعه به کار رود. در اقتصادهای نه چندان توسعه یافته، پس‌اندازها احتمالاً به صورت محدود جذب شبکه بانکی شده و یا به صورت کالاهایی همچون طلا و جواهرات یا کالاهای بادوام دیگری درمی‌آید. در یک اقتصاد سالم و کارا، کافی بودن این نوع پس‌انداز می‌تواند متضمن رشد اقتصادی مناسب و پایدار باشد. بنابراین پس‌انداز اختیاری از منابع مهم مالی برای تشکیل سرمایه به شمار می‌رود. ممکن است این پس‌اندازها توسط خود افراد برای سرمایه‌گذاری به کار رود، یا به صورت اختیاری برای خرید اوراق سهام و یا اوراق قرضه مورد استفاده قرار گیرد، یا در بانک‌ها به صورت سپرده درآید، یا تبدیل به جریان خروج سرمایه از کشور شود و یا حتی به صورت راکد و بدون آنکه منشأ تحول خاصی در اقتصاد باشد نگهداری گردد. بنابراین از دیدگاه فردی، هر فرد که اقدام به پس‌انداز می‌نماید مطلوبیت‌ها و رجحان‌هایی دارد که با توجه به مقایسه ارزش آتی کالاها و خدماتی که در اختیار دارد، اقدام به مصرف و پس‌انداز می‌نماید.

ب) پس‌انداز اجباری: پس‌اندازی است که با استفاده از ابزارهای در دست دولت صورت گرفته یا ناشی از تصمیمات دولت است و از ترجیحات افراد جامعه نشأت نمی‌گیرد. بنابراین سیاست‌های دولت ممکن است مصرف‌کنندگان و پس‌اندازکنندگان را مجبور نماید که از خرید کالاها و خدمات چشم‌پوشی نمایند. کارآیی این سیاست‌ها بستگی به واکنش مصرف‌کنندگان در قبال افزایش مالیات‌ها و انتقال بار آن بر روی پس‌انداز اختیاری دارد.

ج) منابع مالی خارجی: اگر برای انجام سرمایه‌گذاری نیاز به واردات و کالاهای سرمایه‌ای باشد که امکان تهیه آنها از طریق پس‌اندازهای داخلی وجود نداشته باشد، منابع مالی خارجی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بیع متقابل، استقراض خارجی و یا روش‌های دیگر به دست می‌آید. البته استفاده از این روش‌ها بستگی به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه داشته و در بخش دوم نیاز به تحقق پیش‌شرط‌ها و بسترهای مناسب فراوان دارد و برای استفاده از این منابع، نیازمند تحلیل‌های دقیق و لازم‌الاجرا اولویت‌های مربوطه می‌باشد

( صفرزاده، ۱۳۸۴).

فعالیت‌های اقتصادی سودآور و ناممکن شدن تامین منابع مورد نیاز برای پس‌انداز گردیده است. پدیدار شدن زیان‌های ناشی از این نگرش به صورت تولید کم با نرخ رشد پایین و بهره‌وری پایین عوامل تولید، دولت و جامعه را در اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی ترغیب نموده است. اینکه تفکر غالب در اداره یک کشور، وجود شکاف درآمدی را برنتابد سبب خواهد شد که بسیاری از ممولین جامعه از محل درآمدهای مشروع؛ ثروت خود را به‌دست نیاورده باشند؛ چراکه وجود رانت‌های اقتصادی گسترده اثر اجتناب‌ناپذیر یک اقتصاد دولتی است و بسیاری از مردم می‌توانند از محل این رانت‌ها درآمدهای قابل توجهی به دست آورند. تلاش در جهت وضع قوانینی جهت مبارزه با پدیده پول شویی (Money laundering) (تطهیر پول‌های آلوده و مشروع جلوه دادن آن) نمونه دیگری از این مدعاست. شاید به همین دلیل نگاه عمومی به افراد ثروتمند جامعه به طور کلی منفی خواهد شد که نگرش طرد سرمایه‌دار و سرمایه‌گذار را بیش از پیش تقویت خواهد نمود. چه بسا چنین رویدادی به دلیل پیدایش انگاره ایجاد جامعه دوقطبی به خصوص نزد قشر فقیر جامعه، منجر به بروز واکنش‌های اجتماعی در جامعه نیز بشود که خود به طور اولی موجب تضعیف فرایند رشد و توسعه اقتصادی خواهد شد. از سوی دیگر تفکر اقتصادی مبتنی بر توزیع عادلانه درآمد (منوط به تلاش در جهت شناسایی دهک‌های پایین و بالای درآمدی) اصولاً نگرشی عقلایی در راستای بهره‌مندی همه افراد جامعه از فرصت‌ها و منابع است؛ ولی نباید القا و شیوه اجرای این نگرش، مانع دیگری در برابر ایجاد قشری با درآمد بالا در جامعه شود. در حالی که وجود چنین قشری که از منابع درآمدی مناسبی برخوردارند به آغاز فرایند انباشت کمک می‌کند. مازاد درآمدی این گروه اجتماعی به پس‌انداز تبدیل شده و موجبات تشکیل سرمایه و افزایش تولید و درآمد سایر گروه‌های جامعه به همراه اشتغال آنها را نیز فراهم می‌آورد که در نتیجه، آنان نیز می‌توانند به تدریج در فرایند انباشت مشارکت کنند.

مورد دیگری که در رابطه با پس‌انداز مطرح است، تبلور یافتن آن در قالب کالاهای بادوام است. در حالی که آنچه برای یک اقتصاد در حال توسعه اهمیتی ویژه دارد؛ انجام پس‌انداز

لذا شناخت این عوامل و اتخاذ سیاست‌های مناسب به خصوص برای کشورهای در حال توسعه همچون ایران که جریان‌ات نقل و انتقال سرمایه اعم از خارجی و داخلی در آنها به علت پاره‌ای مشکلات ساختاری به کندی انجام می‌پذیرد از اهمیت بسزایی برخوردار است.

حال عواملی که از نظر فرهنگی بر تعیین سطح پس‌انداز و به تبع آن سرمایه‌گذاری مؤثر است را با توجه به وضعیت کشور در گذشته و حال مورد کاوش قرار می‌دهیم.

اولین عاملی که شرط لازم وجود پس‌انداز در یک نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد، احترام به حقوق مالکیت و تضمین حفظ و حمایت از تسلط افراد بر دارایی‌هایشان است. این نهاد اجتماعی که می‌تواند در قالب قراردادهای ضمنی اجتماعی یا نظام حقوقی یک جامعه تبلور شود به صورت معنی‌داری بر تصمیم‌سازی افراد در مورد چگونگی تخصیص درآمدها به مصرف و پس‌انداز، همچنین شیوه انجام پس‌انداز، مؤثر است. بدیهی است وقتی افراد احساس نکنند دارایی‌هایشان در امنیت کامل قرار دارد، ترجیح خواهند داد که بیشتر درآمد خود و در حالت افراطی کل آن را مصرف کنند. نتیجه این رفتار، عدم شکل‌گیری فرآیند انباشت در جامعه و در نهایت کمبود کالای سرمایه‌ای خواهد بود. نگاهی به وضعیت نهاد مالکیت و نوع نگرش به آن در تاریخ ایران نشان می‌دهد که تقریباً در هیچ دوره‌ای از تاریخ این سرزمین، تضمین حقوق مالکیت فردی به عنوان دغدغه حاکمان مطرح نبوده است. هرگاه فردی بر اثر کار یا فعالیت اقتصادی دیگری به منابع مالی قابل توجهی دست می‌یافت که امکان مصرف کل آن برای وی وجود نداشت (به خصوص در دوران پیش از انقلاب مشروطه) ترس از دست‌اندازی حاکمان به سمت داری‌اش، وی را وادار به تبدیل دارایی به فلزات گرانبها و دفن آن در دل زمین و در برخی موارد نیز وقف اموالش می‌نمود.

در دوران معاصر نیز نوع نگاه به مساله حقوق مالکیت با گسترده شدن نقش دولت و نهادهای دولتی، به حاشیه راندن بخش خصوصی و نادیده گرفتن توانمندی و کارآفرینی این بخش در تنظیم نظام حقوقی و مناسبات اقتصادی به طور طبیعی سبب انفعال اقتصاد خصوصی و به عبارت دیگر عدم امکان انجام

در قالب داریی های مالی است که از این طریق منابع مالی به بدنه کارآفرینی و تولیدی کشور تزریق شده و منابع مالی سرمایه گذاری تامین می شود. این رفتار مردم ارتباط نزدیکی با سیاستگذاری های اقتصاد کلان کشور دارد.

بر اساس تئوری اقتصاد خرد آنچه که برای فرد، ملاک تصمیم سازی اقتصادی قرار می گیرد، قیمت های نسبی هستند. در مورد تصمیم گیری برای تخصیص درآمد بین مصرف و پس انداز نیز صرف نظر از خصوصیات فردی مانند ریسک گریزی، عامل اساسی تعیین قیمت نسبی، هزینه فرصت مصرف است. بدین معنی که هر فرد بر اساس بازدهی ای که از انجام پس انداز انتظار دارد در مورد مقدار و شیوه پس انداز تصمیم گیری می کند. در صورتی که در اقتصاد، بازار پول به صورت آزاد فعالیت کرده و نرخ بهره حقیقی بدون دخالت دولت بتواند اطلاعات بازار را نشان دهد، نرخ بهره حقیقی بازار ملاک تصمیم گیری مردم در انتخاب شکل پس انداز خواهد بود. یعنی در صورتی شکل دیگری از پس انداز به جز سپرده گذاری در بانک های تجاری را انتخاب می کنند که متضمن دریافت بازدهی بالاتری از نرخ بهره حقیقی باشد.

در اقتصاد ایران به دلیل وجود نرخ تورم بالا از یک سو و تعیین دستوری نرخ سود تسهیلات بانکی در مقداری کمتر از نرخ تورم با افزایش تورم، نرخ سود واقعی منفی و نظام مالی تحدید شده می گردد. نرخ سود واقعی منفی باعث کاهش پس اندازها و کاهش حجم واسطه گری شبکه بانکی در فرآیند جذب و تخصیص اعتبارات می شود. این پدیده، موجب تغییر ترکیب پورتفولیوی (Portfolio) عاملان اقتصادی به نفع داریی های فیزیکی از قبیل کالاهای با دوام، زمین و مستغلات و داریی های خارجی مانند ارز و طلا) می شود که اثر مستقیمی بر افزایش توان تولید کشور ندارد. لذا منفی بودن سود واقعی از یک سو باعث کاهش انگیزه در افراد جهت پس انداز خواهد شد و از سوی دیگر باعث خروج سپرده های بانکی از سیستم بانکی می شود. بازار سرمایه ایران نیز به دلیل ضعف ساختار و عدم کارایی، توان جذب پس اندازهای سرگردان را ندارد.

در نتیجه این پس اندازها به سمت بازارهای غیررسمی سوق پیدا می کنند. این امر باعث تخصیص نادرست منابع مالی می گردد و آنها را بیشتر به سمت خرید و فروش داریی هایی

چون زمین، مسکن سوق می دهد که این تشدید تورم را در پی خواهد داشت. بنابراین تشدید تورم باعث کاهش پس انداز ملی شده و سرمایه گذاری و متناسب با آن رشد اقتصادی را محدود خواهد کرد. محدودیت رشد اقتصادی نیز بر نرخ پس انداز اثر منفی دارد و این چرخه ادامه پیدا می کند (بهرامی واصلانی، ۱۳۸۴).

هدف از آن چه گفته شد؛ بیان ارتباط اساسی بین فرهنگ و تصمیم سازی آحاد اقتصادی در مورد تخصیص درآمد به مصرف و پس انداز بود. شواهد تجربی چه در گذشته، چه در زمان حال و نتایج نظری علم اقتصاد، همگی بر تاثیر اساسی انگیزه های اقتصادی بر مقدار و نحوه انجام پس انداز تاکید دارند. در واقع رفتار اقتصادی انسان ها در هر ناحیه از جغرافیای جهانی تابع نظام انگیزشی حاکم بر ساختار اجتماعی آن ناحیه است. تلاش در جهت شکل دهی رفتارهای اقتصادی مطلوب و ایجاد نظام حقوقی و کسب و کار باید به گونه ای باشد که فضای انگیزشی را برای آحاد جامعه اقتصادی ایجاد کند که در نتیجه آن رفتار افراد بر اساس آزادی انتخاب به نتایج مطلوب و مورد نظر سیاست گذاران منجر شود.

نگاهی به گذشته کشورهای توسعه یافته یا کشورهای در حال توسعه پیشرو، هیچ نشانی از تلاش برای تغییر ساختارهای فرهنگی پیش از اصلاح یا ایجاد ساختارهای انگیزشی ندارد. به عبارت دیگر توسعه فرهنگی موضوعی نیست که بتوان آن را به عنوان شرط لازم بروز رفتارهای مطلوب اقتصادی تلقی نمود. بلکه این نظام انگیزشی هر جامعه است که پایه ها و اصول رفتاری آحاد اقتصادی یک جامعه را تولید می کند. اصلاحات فرهنگی در وهله دوم اهمیت و امکان پذیری اجرایی قرار دارد که در بسیاری موارد، فرآیند فرهنگ سازی در حوزه های حتی غیر اقتصادی جامعه باید از طریق ایجاد انگیزه های اقتصادی از قبیل استفاده از نظام های مالیاتی یا تعیین جریمه ها آغاز گردد و به انجام رسد (فتحی، ۱۳۷۹).

#### کارآفرینی اقتصادی و تولید

اصطلاح کارآفرین در معنا و مفهوم فعلی را اولین بار «ژوزف شومپیتر» به کار برد. از وی به عنوان پدر علم کارآفرینی یاد

به شاخص‌های رشد و توسعه که از طریق تغییر در روند تولید، بهره‌وری و توان‌افزایی فنی و صنعتی در عرصه اقتصاد حاصل می‌شود، دست یافت (فلود و فلینز، ۱۹۹۹).

فرهنگ هر جامعه ای تاثیر به سزایی در توسعه کارآفرینی دارد، از آنجایی که فرهنگ به مفهوم مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهایی است که هویت یک جامعه را تشکیل می‌دهند؛ کارآفرینان به عنوان بخشی از جامعه پیرامونی از مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای متمایزی برخوردارند که می‌توان به آن خرده فرهنگ کارآفرینی اطلاق کرد. اگرچه کارآفرینان، ارزش‌ها و باورهایی متمایز از افراد جامعه دارند، ولی فرهنگ کارآفرینی متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است. در واقع هر چه ارزش‌ها و عقاید موجود در جامعه، افراد جامعه را به کار، تولید مداوم، فکر و اندیشه خلاق، یادگیری و کسب دانش سوق دهد، در آن جامعه فرهنگ کارآفرینی اشاعه یافته و درون افراد نهادینه می‌شود (صمدآقایی، ۱۳۷۸).

از جمله اقدامات لازم برای به کارگیری ابزار کارآفرینی در سطح کلان، بسترسازی است و یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن، ایجاد فرهنگ کارآفرینی است. بستر فرهنگی، به عنوان عاملی زیربنایی و یا حتی مبنا و اساس سایر بسترهای لازم برای کارآفرینی، مستلزم تحولات عمیقی در شناخت باورها، حقوق، آداب و رسوم و اخلاق یک ملت است. فرهنگ سازمانی از جمله خرده فرهنگ‌های یک جامعه است که به دلیل ارتباط بسیار نزدیکی که با کارآفرینی دارد، بر این پدیده تاثیرگذار است. کارآفرینی به عنوان یکی از ویژگی‌های فردی انسان، از بعد فردی نیز، مستلزم بستر و چارچوب شخصیتی متناسب با این پدیده است. کارآفرین، نیازمند برخی ویژگی‌های شخصیتی ذاتی و یا اکتسابی است که نقش بسزایی در موفقیت وی به عهده دارد (پروکوپنکو و یگور، ۱۹۹۹).

از نظر بروس جی وایتینگ، افراد کارآفرین دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از نظر شخصیتی از افراد عادی یا سایر افراد جامعه مجزا می‌کند. اعتماد به نفس، پشتکار، انرژی زیاد، اتخاذ ریسک حساب شده، نیاز به موفقیت، خلاقیت و نوآوری، ابتکار، انعطاف پذیری، واکنش مثبت در مقابل چالش‌ها، استقلال، خوش بینی، داشتن منابع کافی و مهارت‌های متعدد، سودگرا، توانا در

می‌کنند. وی بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد شد که افرادی در بین احاد جامعه با خطر پذیری، اقدام به نوآوری کرده و با این کار، روش‌ها و راه حل‌های جدید جایگزین راهکارهای ناکارآمد و کهن قبل‌ی شود. وی عمده فعالیت‌های کارآفرینان را شامل توسعه کالا و خدمات جدید، معرفی روش‌های جدید تولید، تشخیص بازارهای جدید، پیدا کردن راه‌های جدید خرید، توسعه و بهبود سازمان می‌دانست (احمدپور داریانی، ۱۳۸۰).

در اواخر دهه هفتاد در بسیاری از کشورهای پیشرفته به علت تغییر در ارزش‌ها و گرایش‌های جامعه و البته تغییرات جمعیت شناختی، موجی از کسب و کارهای کوچک و افراد خود اشتغال به وجود آمد. به علت تاثیرات عمیق این پدیده؛ مطالعات زیادی از چهار دیدگاه اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی انجام شده است. به علاوه باید یادآور شد که کارآفرینی فقط فردی نیست، سازمانی هم می‌تواند باشد.

دامنه تاثیرات کارآفرینی بر جامعه را می‌توان از تغییر در ارزش‌های اجتماعی تا رشد شتابان اقتصادی مدنظر قرار داد. ایجاد ثروت، اشتغال زایی، ایجاد و توسعه فن آوری، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری، شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید، افزایش رفاه، ساماندهی و استفاده اثربخش از منابع، برخی از تاثیرات مذکور می‌باشد. کارآفرینان از رسیدن نظام اقتصادی به تعادل ایستا جلوگیری می‌کنند و به واسطه رفتارهای فرصت جویانه خود، اقدام به فرصت‌سازی برای کلیت نظام اقتصادی می‌نمایند.

### نقش فرهنگ کار آفرینی در تولید

اگر از دیدگاه شیوه زندگی به فرهنگ نگریسته شود، نمی‌توان آن را از مقوله کار و نحوه کسب درآمد نیز جدا دانست. کار و فرهنگ همواره و در تمام جوامع بر یکدیگر تاثیر متقابل داشته‌اند. روش‌های رایج کسب درآمد تا حد زیادی بر نحوه رفتار افراد و تعامل آنها با یکدیگر موثر است. گسترش کارآفرینی نیز به عنوان عامل ایجاد اشتغال و تولید ثروت در جامعه، نتایج فرهنگی ویژه‌ای را در پی خواهد داشت که قابل تامل و بررسی است. در واقع با عنایت کافی به مقوله توسعه فرهنگ کارآفرینی می‌توان

## نقش فرهنگی خانواده در تربیت کارآفرینان به عنوان عاملان مولد در آینده

ارتباط میان کارآفرینی و فرهنگ، از دو سو قابل بحث است. از یک سو، نتایج کارآفرینی است که بر جامعه تاثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، خود فرآیند کارآفرینی و فرهنگ حاکم بر آن است که هم متأثر از مبانی فرهنگ جامعه است و هم می‌تواند در آن تحولات اساسی ایجاد کند. در واقع کارآفرینی، فرآیندی اکتسابی است و خانواده در شکل‌گیری این فرآیند نقش اساسی را ایفا می‌کند. خانواده می‌تواند عنصر پویایی و تحرک را در ژرفای وجود افراد تحت نفوذ و وابسته به خود نهادینه کند؛ به گونه‌ای که فرد و جامعه در محیطی هماهنگ به تعامل بپردازند و قالب‌های اجتماعی نوآورانه شکل گیرد. در عین حال شرایط محیطی و نوع جامعه‌ای که فرد در آن رشد و نمو می‌یابد، نیز در شکل‌گیری و ایجاد عادات و رفتارهای مختلف در فرد به میزان زیادی تأثیرگذار است (مولر و آلیشا، ۲۰۰۰).

زمانی تصور می‌شد که کارآفرینان به جای ساخته شدن، متولد می‌شوند. صفات آنها به قدری نادر و ویژه است که در هر جایی یافت نمی‌شوند. امروزه شواهد کافی وجود دارد که نشان می‌دهد صفات کارآفرینی می‌تواند در نتیجه آموزش دوران کودکی، استقلال، و در معرض ارزش‌های فرهنگی به خصوص مرتبط با کار و صنعت قرار گرفتن، پرورنده شود. روانشناسان معتقدند که پنج سال اول زندگی، بیشترین تأثیر را در زندگی شخص دارد. این دوران زمانی است که جو اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و روانی اطراف کودک اثر دایمی بر شخصیت او برجا می‌گذارد. در این دوران نوع رفتارها در خانه و خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری رفتار آینده کودک به عنوان یک فرد بالغ بر جا می‌گذارد. برای مثال کودکانی که والدین آنها پیوسته و همراه با محبت در آنها - از طریق کتاب، بازی و گفت و گو - تحرکات ذهنی اولیه ایجاد می‌کنند؛ در دوران تحصیل موفق ترند و وقتی دیگر اعضای خانواده آنها را مورد توجه و محبت قرار می‌دهند در آینده به افرادی مطمئن، با محبت، شاد، فعال، اجتماعی، مستحکم و کنجکاو تبدیل می‌شوند.

بخشی از کارآفرینان از خانواده‌هایی سر بر می‌آورند که ناپایدار و غیر متحد بوده و با بحران‌هایی نظیر مرگ یکی از

برخورد با مردم، دوراندیشی، رهبری پویا، مسئول و پاسخ‌گو در مقابل انتقادات از جمله ویژگی‌هایی افراد کارآفرین به شمار می‌رود (هاپوگ و پاردی، ۱۹۹۹).

روبرت نشستات، فرهنگ کارآفرینی را قبول مخاطره، تعقیب فرصت‌ها، ارضای نیازها از طریق نوآوری و تأسیس یک کسب و کار می‌داند (احمدپور داریانی، ۱۳۷۷).

پارسونز، به عنوان یک جامعه‌شناس که نظریه‌های خود را در چهار نظام زیستی، فرهنگی، اجتماعی و دینی بیان کرده است، توسعه فرهنگ خلاقیت و ابتکار را محصول نظام اجتماعی و تحت تاثیر نهاد خانواده و مدرسه می‌داند که در پرتو آن، انگیزه کنش‌گران برای به عهده گرفتن نقش‌های تولیدی بالا می‌رود. در همین خصوص باید به شیوه جامعه‌پذیری، میزان رشد و انسجام شخصیت، استقلال فردی، طرز تلقی از کار در جامعه، سخت‌کوشی، پشتکار و وقت‌شناسی اشاره کرد.

ماکس وبر، توسعه فرهنگ کارآفرینی را متأثر از چهار عامل تشویق به کار برای سعادت، خطرپذیری برای تغییر سرنوشت، برنامه‌ریزی برای آینده و صرفه‌جویی می‌داند (برون و یولین، ۲۰۰۴).

مک کله‌لند، روانشناس اجتماعی معاصر، نظریه‌ای نیاز به موفقیت را برای اولین بار در مباحث اجتماعی مطرح کرد. وی معتقد بود جوامعی که دارای نیاز به موفقیت پایین هستند، نرخ سرمایه‌گذاری و خطرپذیری در آنها پایین است و به تبع آن توسعه‌نیافته هستند و در جوامعی که نیاز به موفقیت بالا است، نرخ سرمایه‌گذاری و خطرپذیری نیز بالاست. در این جوامع، افرادی پیدا می‌شوند که کسب و کار جدیدی راه‌اندازی می‌کنند، شرکت یا واحد اقتصادی را سازماندهی می‌کنند و ظرفیت تولیدی و بهره‌وری آن را افزایش و بهبود می‌بخشند. مک کله‌لند، چنین افرادی را کارآفرین می‌نامد و عواملی نظیر شیوه جامعه‌پذیری، شیوه‌های تربیتی والدین، طبقه اجتماعی والدین، ایدئولوژی حاکم، مذهب و تحرک اجتماعی را عوامل موثر بر توسعه فرهنگ کارآفرینی می‌داند. توجه خاص او به فرهنگ در امر کارآفرینی است و مناسب‌ترین نوع جامعه‌پذیری را تقویت استقلال فردی و ایجاد اعتماد به نفس می‌داند که موجب کارآفرینی می‌شود (بروکاست و هوریتس، ۲۰۰۰).

ویژه‌های استوار شده است. مجموعه این روش‌ها و باورها را می‌توان یک فرهنگ تلقی کرد.

همان گونه که بیان شد؛ پس انداز به عنوان منبعی برای تشکیل سرمایه، متغیری است که در آموزه‌های اقتصادی برای دستیابی به رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. مقایسه نرخ پس انداز و روند رشد در کشورهای مختلف جهان، گویای این واقعیت است که مشکل کمبود پس انداز به عنوان عامل محدود کننده رشد اقتصادی قلمداد شده است. تامین منابع مالی برای سرمایه گذاری از جانب نیروی انسانی کارآفرین و مخاطره پذیر، ضرورت آموزش فرهنگ پس انداز را در نهاد خانواده برجسته می نماید. با اشراف به فرضیه دوره زندگی آندو- مودیگلیا (۱۹۶۷)، Ando- Modigliani، فرهنگ مصرف و پس انداز را می توان در بین گروه های مختلف سنی (خردسال، میان سال و سالخورده) مدیریت نمود. با فرهنگ سازی مصرف بهینه و عقلایی در بین دو گروه سنی تحت تکفل (زیر ۱۵ سال و بالای ۶۴ سال) در جهت ایجاد تقاضای موثر و نیز ترغیب گروه سنی مولد (۱۵-۶۴ ساله) به پس انداز می توان در راستای ارتقای رشد اقتصادی و تولید بیشتر گام برداشت. تولید بیشتر شروع مرحله ای است برای کاهش شکاف درآمدی، افزایش سرمایه گذاری، افزایش قدرت رقابت پذیری در سطح داخلی و بین الملل. به علاوه سرچشمه کارآفرینی را نیز باید براساس تجربیات دوران زندگی در محدوده خانواده و فرهنگ خانواده جست وجو نمود. امروزه شواهد کافی وجود دارد که نشان می دهد صفات کارآفرینی می تواند در نتیجه آموزش دوران کودکی، استقلال، به خود متکی بودن و در معرض ارزش های فرهنگی مرتبط با کار و صنعت قرار گرفتن، پرورنده شود. این فرهنگ سازی آموزشی در دوره های سنی جوانی و میانسالی که افراد در جایگاه نیروی انسانی فعال و مولد قرار می گیرند، می تواند موجبات افزایش تولید، رشد اقتصادی فزاینده و حرکت در راستای دستیابی به رفاه اقتصادی به صورت دسترسی برابر به فرصت ها و منابع را فراهم نماید. فرهنگ سرمایه گذاری و استقبال از به کارگیری این متغیر اقتصادی با دامنه نوسان بالا، لازمه داشتن روحیه پذیرش ریسک، اعتماد به نفس، مشارکت گروهی و... است. امنیت سرمایه گذاری، چارچوب نهادینه شده‌ای

والدین، جدایی والدین، طغیان فرزند علیه والدین و اخراج فرزند از خانه مواجهه بوده اند. این گونه کودکان تحت فشار بوده و در نتیجه چگونگی امرار معاش، بقا و تصمیم گیری را زودتر یاد گرفته اند. کارآفرینان به طور کلی از خانواده های کوچک ظهور می کنند و اگر از خانواده بزرگی باشند، معمولاً فرزند ارشد و یا یکی از فرزندان وسط می باشند.

داشتن والدین فعال در تجارت یا مشاغل مشابه آن، کمک بزرگی به پرورش کودکان جهت کارآفرینی می کند. چینی ها از این نوع تجربیات برای پرورش کودکان شان استفاده می کنند. کارآفرینان زیادی نیز از خانواده های مهاجران هستند. کارآفرینان چینی در مالزی و اکثر مناطق آسیا، یهودیان در اروپا و ایتالیایی ها در استرالیا از این دسته هستند. دلایل زیادی در این باره ارائه شده است. یکی از این دلایل، نبود محیط مناسب برای کارآفرینی در سرزمین های اصلی این افراد می باشد؛ یعنی جایی که ممکن است آنها با سنت های دست و پاگیر احاطه شده باشند. دلیل دیگر این که خانواده هایی که مهاجرت می کنند برای یافتن شغل دچار مشکل هستند. بنابراین با دید وسیع تر موقعیت هایی را می بینند که از دید افراد محلی پنهان است (بوگانا و داریتی، ۲۰۰۷).

### نتیجه گیری و پیشنهادات

با عنایت به مطالبی که بیان شد می توان در پایان مباحث، رابطه سه گانه فرهنگ پس انداز، سرمایه گذاری و کارآفرینی در ارتقای تولید و رشد اقتصادی را نتیجه گرفت و در راستای آن نیز پیشنهادات سیاستی و اجرایی را ارایه نمود.

از آن جا که سرمایه انسانی به عنوان یکی از مولفه های ارتقای تولید سرانه واقعی و رشد اقتصادی هر کشوری تلقی می شود؛ باید ضرورت توجه به انسان را به عنوان محور توسعه، در صدر برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها قرار داد. توجه به نیروی انسانی به صورت کارآفرین و بهره مند از نیروی تفکر و نوآوری باید با تامین نیازمندی ها، فرهنگ سازی و آموزش همراه باشد. کارآفرینی با ایجاد فرصت های شغلی، تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش زمینه ای اساسی برای ارتقای سطح فرهنگی جامعه است. از سوی دیگر، نحوه شکل گیری و ثمربخشی کارآفرینی، روش ها و شیوه های خاصی را می طلبد که بر پایه باورها و ارزش های



از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که اعتماد پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران را جلب کرده و امنیت حقوقی افراد و معاملات را تضمین می نماید. هرگاه شاخص های امنیت سرمایه گذاری در جامعه ای وضعیت مطلوب را نشان دهد؛ این چارچوب نهادین موجب رشد اقتصادی خواهد شد. بنابراین در این راستا لازم است مدیران اجرایی و سیاست گذاران با آگاهی کامل و به صورت علمی و کارشناسی، سیاست های هماهنگ و همسو را وضع نمایند؛ به گونه ای که با حمایت از بخش خصوصی و در راستای تسریع در روند اجرای سند چشم انداز و اصل ۴۴ قانون اساسی، تمایل سرمایه گذار داخلی و خارجی را برای سرمایه گذاری بیشتر و کارا جلب نمایند. لازم است تسهیلات از جانب نهادهای مالی و پولی به صورت نظام مند و کارشناسی در اختیار کارآفرینان قرار داده شود. با اتخاذ سیاست های پولی مناسب (تعیین نرخ سود سپرده ها در مقایسه با تورم، سرویس دهی مورد رضایت مشتری به صورت مکانیزه و با بهره گیری از فناوری های جدید) بخش خصوصی و خانوارها را در تجهیز پس انداز ترغیب نمود. آموزش نیروی انسانی به عنوان ذخیره دانش در فرآیند تولید در دستور کار مدیران قرار گیرد. کاهش تصدی گری دولت، شفاف سازی در سیاست ها و بازارها، کاهش بوروکراسی و ارتباط عقلایی در بین متغیرهای اقتصادی (سطح قیمت ها، اشتغال زایی، تعدیل تراز پرداخت ها و...) می تواند با برنامه ریزی و فرهنگ سازی پویا دنبال شود.

#### منابع:

- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۷۷). طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین صنعت، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۰). کارآفرینی؛ تعاریف، نظریات، الگوها، انتشارات پردیس.
- برانسون، ویلیام ا. چ. (۱۳۸۱). تئوری و سیاست های اقتصاد کلان، ترجمه: عباس شاکری، تهران: نشرنی، چاپ پنجم.

- بهرامی، جاوید واصلانی، پروانه. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر پس انداز بخش خصوصی در ایران طی دوره ۱۳۴۷-۱۳۸۰، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۳.

- پوریان، حیدر. (۱۳۷۷). عوامل موثر بر پس انداز در ادبیات اقتصادی؛ برداشتی از منابع پس انداز در ایران، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس سیاست های پولی و ارزی کشور.

- صفرزاده، عبدالله. (۱۳۸۴). عوامل موثر بر نرخ پس انداز ملی در اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تهران.

- صدآقایی، جلیل. (۱۳۷۸). سازمان های کارآفرین، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.

- طالبی، حمید رضا. (۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل تاثیر متغیرهای اسمی و واقعی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس.

- غلامیان، علی اکبر و ویسی، رضا. (۱۳۸۴). فرهنگ کارآفرینی سازمانی، مجموعه مقالات علمی ایران، [www.article.ir](http://www.article.ir)

- فتحی، سعید. (۱۳۷۹). تحول فرهنگی: گامی به سوی کارآفرینی، سازمان مدیریت صنعتی، تدبیر: ماهنامه علمی-آموزشی در زمینه مدیریت، شماره ۱۰۲.

- کمیجانی، اکبر و رحمانی، تیمور. (۱۳۷۲). تحلیلی تنوریک از اهمیت و ماهیت پس انداز و بررسی تجربی آن در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، شماره ۴۷.

- Haug, H.M & Pardy, w. (1999). Community entrepreneurship in north eastland, *International Journal of Entrepreneurial Behavior & esearch*, Vol.5, No.4.

- Bogana, V. & Darity, W. (2007). Culture and entrepreneurship? African American and immigrant self-employment in the United States, *The Journal of Socio-Economics*,

- Brockhaus, R. and Horwitz, P. (2000). *The Psychology of the Entrepreneur. The Art and Science of Entrepreneurship* Cambridge, Mass: Ballinger

- Brown, T.E. & Ulijn, J. (2004); *Innovation, Entrepreneurship and Culture: The Interaction between Technology, Progress and Economic Growth*, UK, 248 pp.

- Elwood, C.W. & Eliza. T. (1999). the relationship between strategy and entrepreneurship, *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, vol.7, No.1

- Mueller, S. I. And Anisya, T. (2000). Culture and entrepreneurial potential; A nine country study of locus of control and innovativeness, *Journal of Business Venturing*, Vol.16, pp. 51-75.

- Prokopenko, J. & Igor, P. (1999). Entrepreneurship development in pullice enterprises, *International labour organization*.